

# سجن اعظم

حضرت بهاء الله

اصلي فارسی



من آثار حضرت بهاء الله - مائده آسمانی، جلد 8 صفحه 141

## مطلب یکصد و هفتادم - سجن اعظم

قوله تعالى: " در لوح حاجی میرزا محمد تقی افغان " انا سمینا هذا السجن بالسجن الاعظم ینبغی لكل نفس ان یتفکر فیہ و ما سمی به من لدی العزیز الحکیم ..

.. در اول ورود این سجن را بسجن اعظم نامیدند و فرمودند بعد سر این ظاهر خواهد شد قسم بافتاب افق معانی که بشأنی امر الله در این ارض مرتفع شد که احدی از عهدهء ذکر علی ما ینبغی بر نخواهد آمد و باب سجن مفتوح مع آنکه در اصل فرمان دولت که عبدالعزیز صادر نموده بود این فقره بوده که احدی را نگذارند نزدیک شود حتی دلاک را هم بجهة حلق رأس و غیره نگذارند بدون ضابطیه ملاقات نماید معذک باب سجن بشأنی مفتوح شد که اصحاب بهر دیار که اراده مینمودند من غیر سؤال و جواب سفر میکردند و این قدرت کبری و سلطنت عظمی من غیر اسباب ظاهر شد چه که هرگز گمان نمیرفت که آن شدت ها و سختی ها زائل شود نشهد انه هو المقتدر علی ما یشاء لا اله الا هو القادر العزیز الحکیم عباد غافل در قدرت و قوت الهی تفکر نمینمایند هر حین آیات ظاهر و بینات باهر معذک بشعور نیامده و سر از نوم غفلت بر نداشته اند ...."



ORIGINAL